کد خبر: ۴۶۷۵۴۷
سه شنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۱ ۱۹:۱۵

آخرین تلاش براندازان برای تنفس مصنوعی به پروژه آشوب

براندازان هرآنچه در آستین داشتند برای تنفس مصنوعی به پروژه آشوب رو کردند.

به گزارش سایت خبری پرسون، اپوزیسیون و جریان ضد انقلاب بعد از شکست در مرحله آشوب خیابانی با روش‌های مختلفی تلاش دارد خود را احیا کند و معرفی خود به عنوان یک آلترناتیو و اتحاد اضداد از جمله تاکتیک‌هایی است که اخیرا اتخاذ کرده است.

آلترناتیوسازی از ابتدای انقلاب یکی از تلاش‌های اولیه اپوزیسیون نظام در برابر جمهوری اسلامی بوده است. سابقه اتخاذ چنین روشی به سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی باز می‌گردد.

شورای ملی براندازی

اولین روند آلترناتیوسازی علیه انقلاب بعد از جدایی گروه‌هایی در سال ۶۰ آغاز شد. سی‌ام تیر ماه سال ۶۰ و یک ماه پس از عزل بنی‌صدر از ریاست‌جمهوری، مسعود رجوی و بنی صدر با گردهم آوردن گروه‌های سیاسی مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران همچون حزب دموکرات کردستان ایران اقدام به تشکیل «شورای ملی مقاومت ایران» کردند. در این شورا ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهور و مسعود رجوی فردِ اولِ سازمان مجاهدین خلق نخست‌وزیر (رئیس دولت) بود. سازمان مجاهدین خلق با رهبری مسعود رجوی با متن قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران مخالفت کرده بود.

ارزیابی بنی صدر و رجوی این بود که می‌توانند نظام جمهوری اسلامی ایران را براندازی و شورای ملی مقاومت را که خود و رجوی آن را تاسیس کرده بودند و در راس آن قرار داشتند، قدرت را در دست بگیرند.

گروه‌های مختلفی به عضویت این شورا درآمدند: سازمان مجاهدین، حزب دموکرات کردستان، جبهه دموکراتیک ملی ایران، شورای متحد چپ، سازمان استادان متعهد دانشگاه‌های ایران، کانون توصیه اصناف، سازمان اتحاد برای آزادی کار، سازمان اقامه. بعدها البته گروه‌هایی با عناوینی همچون حزب کار ایران، جنبش زحمت‌کشان گیلان و مازندران، اتحادیه کمونیست‌های ایران (سربداران) و سازمان چریک‌های فدایی خلق نیز به عضویت این شورا درآمدند.

این شورا حتی برنامه‌ریزی کرده بود که بعد از براندازی، مسعود رجوی به عنوان نخست‌وزیر، مسئولیت تشکیل دولت موقت برای شش‌ماه را برعهده بگیرد. برنامه‌ریزی آنها بعد از براندازی نظام، تشکیل دولت موقت برای۶ ماه، برگزاری انتخابات آزاد برای تشکیل مجلس مؤسسان و قانون‌گذاری ملی و انتقال قدرت به نمایندگان مردم بود.

با گذشت زمان و عیان شدن عیار این شورا برای اعضا و فروپاشی رویایی که برای خود ترسیم کرده بودند، روند جدایی از این شوار آغاز شد و امروز چیزی جز نام و چند پایگاه اینترنتی و کهن‌سالانی که در آلبانی مستقر هستند، از این شورا باقی نمانده است.

بررسی روند طی شده توسط اپوزیسیون جمهوری اسلامی در ایام آشوب‌های اخیر اثبات می‌کند که آلترناتیوسازی همچنان به عنوان یک راهبرد علیه ایران استفاده می‌شود.

تاکتیک جدید: اتحاد در پساآشوب

یکی از محورهای آسیب‌شناسی در اندیشکده‌های غربی، عدم موفقیت دشمنان در آشوب‌های اخیر، عدم وحدت لیدرهای اپوزیسیون است. در دوران پساآشوب اپوزیسیون تلاش کرد دور یک میز جمع شود.

تغییر تاکتیک اپوزیسیون با محوریت وحدت در ایام اخیر همان تاکتیکی است که در دهه شصت یک بار از سوی گروه‌هایی که به مراتب قوی‌تر بودند تجربه شد و نتیجه‌ای جز شکست نداشت.

گروهی از افراد اپوزیسیون ایران از جمله مسیح علی‌نژاد، رضا پهلوی، حامد اسماعیلیون و گلشیفته فراهانی، نازنین بنیادی، شیرین عبادی و عبدالله مهتدی روز جمعه ۲۱ بهمن در نشستی در دانشگاه جورج تاون شرکت کردند.

شورای ملی براندازی با طعم آکادمیک

با آرام شدن فضا، این تیم برانداز، با ژست آکادمیک همان مسیری را وارد شد که بنی صدر و مسعود رجوی در ابتدای انقلاب از آن گذر کردند: جمع

شدن دور یک میز و معرفی خود به عنوان آلترناتیو جمهوری اسلامی یا حداقل اتحاد تا براندازی در ایران. ادبیات استفاده شده در اظهارات رضا پهلوی همان است که شورای ملی مقاومت دهه شصت تکرار می‌کرد. اتحاد تا عبور از جمهوری اسلامی، تشکیل مجلس موسسان و بعد هم قانون اساسی جدید.

این بار اما پیام این نشست از دانشگاهی در آمریکا مخابره می‌شود.

بال داخلی شورای ملی براندازی

چند روز قبل از این نشست، میرحسین موسوی در بیانیه‌ای جدید «خواستار تغییر نظم موجود یا تدوین میثاقی جدید شد. میثاقی که پیش‌نویس آن از سوی نمایندگان منتخب مردم، از هر قومیتی و با هر گرایش سیاسی و عقیدتی تهیه شود». ادبیاتی که عینا در نشست جرج تاون اما با حضور اپوزیسیون خارج نشین تکرار شد. نشستی که در آن عبدالله مهتدی هم حضور داشت. فردی که نماد تجزیه طلبی است. در این نشست اسماعیلیون و علینژاد تاکید داشتند که نسخه اولیه آنچه که به عنوان «منشور همبستگی» در حال تدوین است از داخل ایران ارسال شده است!

بازی تمام شد

تاکید بر عدم شکست آنچه که «انقلاب در ایران» می‌خوانند از محورهای کلیدی مجموعه اظهارات اپوزیسیون در این نشست بود. با آرام شدن فضا و برآب شدن نقشه‌های براندازی، این تیم اپوزیسیون اکنون با این انگاره مواجه شده است که «بازی تمام شد». اصرار آنها بر این موضوع که «انقلاب تمام نشده» و «آرامش خیابان به معنای پایان انقلاب نیست» و «فرم انقلاب تغییر کرده» را در این راستا می‌توان ارزیابی کرد که این گروه تلاش می‌کند توجه جامعه جهانی و لابی‌های ضدایرانی را به خود حفظ کند و در واقع از دور نیافتند.

اجماع جهانی علیه ایران

حتی در بخشی از این نشست، مسیح علینژاد دلیل آرام شدن فضا را عدم حمایت جدی دولت‌های غربی معرفی می‌کند. علینژاد همچون گذشته که برای ایجاد اجماع جهانی علیه ایران تلاش می‌کرد، تاکید دارد : «باید جوامع غربی را مجاب کنیم تا مشروعیت این انقلاب را به رسمیت بشناسند. وظیفه داریم رهبران دنیا را علیه ایران متحد کنیم». اصرار بر انزوای ایران و قطع فروش نفت ایران از خواسته‌های پرتکرار علینژاد از رهبران جی ۷ بوده است.

اجبار اپوزیسیون به تغییر تاکتیک

برگزاری نشست جرج تاون در پساآشوب و تغییر ادبیات اپوزیسیون بعد از شکست در خیابان، چند هدف را دنبال می‌کند. حضور دسته‌جمعی با ژست اتحاد و گفتمان ایجاد ساختار دموکراتیک و فریاد شعارهای زیبای حقوق بشری با هدف زنده نگه‌داشتن انتزاعی جریان براندازی، تزریق امید به این جریان و القای جاری بودن موج است. به نظر می‌رسد ضرورت برگزاری خود این نشست پیام مشخصی دارد: نقشه شوم براندازی شکست خورده و اقداماتی مبتنی بر تغییر تکنیک، نه از روی برنامه از قبل تهیه شده بلکه از روی اجبار بوده است؛ اجباری با هدف فرار از شکست.

منبع:farsnews